


The Central Role of the Mosque in Local Governance: Examining the Collaboration between Urban Management and Mosques in Tehran

Seyed Mohsen Mirbagheri , Faculty member of the University of Science and industry, Faculty of Management, Economics and engineering of progress, Tehran, Iran.

Email: sm_mirbaghyeri@pgre.iust.ac.ir

Extended Abstract

Introduction: As a fundamental cultural and social institution, the mosque plays a pivotal role in the social fabric and governance of local communities, especially in Islamic societies. Enhancing cooperation between urban management and mosques significantly improves the implementation of cultural and social programs at the neighborhood level. Such cooperation fosters increased public participation, strengthens social capital, and ultimately contributes to citizens' better quality of life by addressing local challenges more effectively. Prioritizing mosques in neighborhood development projects ensures not only the maintenance of religious and cultural heritage but also the provision of community-centric services. In this context, Tehran, as a metropolis with a rich network of mosques, presents a unique case for examining the dynamics of mosque-urban management collaboration.

Methods: This study employs a descriptive-analytical research method to identify the challenges of collaboration between urban management and mosques and to propose evidence-based policy recommendations. Data collection involved reviewing existing literature, analyzing case studies of mosque-management cooperation, and conducting expert interviews to validate the proposed strategies. The focus is on exploring both the structural and functional aspects of cooperation, aiming to develop practical frameworks that enhance the mosque's role in local governance.

Results: The findings reveal that mosques, due to their strategic social and cultural positioning, hold substantial potential for synergistic collaboration with urban management. By leveraging this potential, urban authorities can enhance cultural, social, and even crisis management efforts in various public and high-traffic areas, such as metro stations. One of the most critical recommendations is the institutionalization of this collaboration through clear policy frameworks, joint task forces, and cooperative agreements between municipal authorities and mosque leaders. Addressing the infrastructural needs of mosques emerges as a priority, including financial support for renovation, upgrading of facilities, and the integration of modern amenities to better serve the community. Recommendations also include establishing multi-functional centers adjacent to mosques, such as cultural and artistic hubs, sports facilities, microfinance institutions, and counseling centers. Such initiatives not only increase the mosque's functionality but also foster greater

public engagement.

Discussion: Institutional improvements, including drafting comprehensive cooperation guidelines between cultural and social municipal departments and mosques, are vital. The establishment of a dedicated “Mosque Architecture and Urban Development Committee” within urban management frameworks can ensure that mosque-related urban planning aligns with broader city development goals. Furthermore, transforming the existing “Mosque Trustees” structure into a more dynamic “Neighborhood Transformation Council” can strengthen community governance and provide a platform for continuous dialogue between mosque leaders and urban managers. Another critical aspect is the monitoring and evaluation of collaborative projects. Developing clear metrics and evaluation procedures will ensure that initiatives are effective and resources are optimally utilized. Collaborative meetings between mosque leaders and urban management representatives can facilitate the sharing of best practices and ensure alignment on community needs.

Conclusion: This study underscores the central role of mosques in fostering local governance and community well-being. By prioritizing collaboration, urban management can leverage mosque capacities for cultural promotion, social support, and crisis response. Integrating mosque functions into urban policies not only preserves the cultural heritage but also strengthens community resilience and participation. The proposed policy recommendations serve as a strategic roadmap for enhancing mosque-urban management cooperation, ultimately contributing to more inclusive and participatory local governance in Tehran.

Keywords: Urban Management, Mosques, Cultural-Social Collaboration, Neighborhood Development, Urban Policy-Making.

نقش محوری مسجد در حکمرانی محلی: بررسی همکاری مدیریت شهری و مساجد در شهر تهران

سید محسن میرباقری^۱

چکیده

ارتقای همکاری مدیریت شهری با مساجد باعث بهبود اجرای برنامه‌های فرهنگی-اجتماعی در محله‌ها می‌شود که منجر به افزایش مشارکت مردمی و تقویت سرمایه اجتماعی می‌گردد. همچنین، محوریت مساجد در توسعه محله‌ها به بهبود کیفیت زندگی شهروندان و حل مسائل محلی کمک می‌کند. این پژوهش باهدف شناسایی چالش‌ها و ارائه توصیه‌های سیاستی جهت ارتقاء همکاری مدیریت شهری با مساجد شهر تهران، با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که مساجد، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز فرهنگی-اجتماعی، ظرفیت بالایی در هم‌افزایی با مدیریت شهری دارند. استفاده از این ظرفیت می‌تواند در توسعه برنامه‌های فرهنگی و مذهبی در اماکن عمومی و پرفت و آمد نظیر مترو مؤثر باشد. همچنین، توجه به نیازهای زیرساختی مساجد از جمله تخصیص اعتبارات عمرانی برای مرمت، بازسازی و تجهیز و نظارت بر نقشه و معماری آن‌ها، از دیگر راهکارهای مطرح شده است. ایجاد امکاناتی چون کانون‌های فرهنگی-هنری، باشگاه‌های ورزشی و صندوق‌های قرض‌الحسنه در کنار مساجد، می‌تواند نقشی کلیدی در جذب شهروندان و افزایش کارآمدی مساجد ایفا کند. بهبود تعاملات نهادی با تدوین آیین‌نامه‌های همکاری بین نهادهای فرهنگی و اجتماعی شهرداری و مساجد و راه‌اندازی کمیته عمران و معماری مساجد در مدیریت شهری نیز توصیه شده است. در سطح محله‌ای، ارتقای سازوکار «هیئت امنای مسجد» به «شورای تحول محله»، برگزاری نشست‌های هم‌اندیشی بین امامان جماعت و مدیران شهری و نظارت بر اجرای طرح‌های پیشنهادی مطرح گردیده است. این پژوهش با ارائه مجموعه‌ای از توصیه‌ها، زمینه‌ساز ارتقاء نقش مساجد در بهبود مدیریت شهری و تقویت هویت محلی است.

واژگان کلیدی

مدیریت شهری، مساجد، همکاری فرهنگی اجتماعی، توسعه محله‌محور، سیاست‌گذاری شهری.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۶

۱. عضو هیات علمی دانشگاه علم و صنعت، دانشکده مدیریت، اقتصاد و مهندسی پیشرفت، تهران، ایران.

sm_mirbaghyeri@pgrc.iust.ac.ir

مقدمه

کلان‌شهر تهران به‌عنوان پایتخت جمهوری اسلامی ایران و یکی از پرجمعیت‌ترین شهرهای جهان، با چالش‌های متعددی در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی روبرو است. مساجد نیز به‌عنوان نهادهای دینی و اجتماعی با پیشینه‌ای دیرینه در تاریخ و فرهنگ اسلامی، نقش بی‌بدیلی در هدایت و تربیت جامعه، تقویت همبستگی اجتماعی و ارائه خدمات متنوع ایفا می‌کنند (میرغضنفری و همکاران، ۱۳۹۳). مساجد همواره به‌عنوان نهادهایی چندمنظوره در فرهنگ اسلامی نقشی برجسته ایفا کرده‌اند و از دیرباز، علاوه بر نقش عبادی، به‌عنوان کانون‌هایی برای فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی در جامعه شناخته می‌شوند. در کلان‌شهرهایی نظیر تهران که با پیچیدگی‌های اجتماعی و تنوع فرهنگی روبه‌رو هستند، نقش مساجد می‌تواند فراتر از ابعاد سنتی تعریف شود و به‌عنوان ابزاری مؤثر در مدیریت شهری و تقویت انسجام محلی عمل کند.

با این حال، به نظر می‌رسد که در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های مدیریت شهری، پتانسیل‌های مساجد به‌طور کامل مورد توجه قرار نگرفته است؛ زیرا با وجود اهمیت مساجد در ساختار محله‌محور شهر تهران، شکاف‌هایی در بهره‌گیری از ظرفیت‌های این نهادها در همکاری با مدیریت شهری وجود دارد. نبود همکاری مؤثر بین مساجد و نهادهای مدیریت شهری، عدم تدوین سیاست‌های هماهنگ و برنامه‌ریزی جامع و چالش‌های زیرساختی مساجد، از مهم‌ترین مسائلی است که موجب محدودیت نقش‌آفرینی مساجد در ارتقای کیفیت زندگی شهری شده است. این در حالی است که تقویت این همکاری می‌تواند به حل مسائل محله‌ای، توسعه برنامه‌های فرهنگی-اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی منجر شود.

علی‌رغم پژوهش‌های انجام‌شده درباره نقش مساجد در حوزه‌های مختلف، تحقیقات کمی به بررسی سیستماتیک چالش‌ها و ارائه راهکارهای عملی برای تقویت همکاری بین مدیریت شهری و مساجد پرداخته‌اند. نبود چنین رویکرد جامعی، لزوم انجام تحقیقی هدفمند را برای شناسایی این چالش‌ها و ارائه توصیه‌های سیاستی به‌منظور بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های مساجد در شهر تهران آشکار می‌سازد.

بنابراین، سؤال اصلی این تحقیق این است که چه چالش‌هایی برای همکاری هدفمند مدیریت شهری با مساجد شهر تهران وجود دارد و چه راهکارهایی برای حل آن می‌توان ترسیم کرد. این پژوهش قصد دارد با روش توصیفی-تحلیلی، به این سؤال

پاسخ دهد و با ارائه توصیه‌های سیاستی، به ارتقای همکاری مدیریت شهری و مساجد کمک کرده و زمینه‌ساز توسعه فرهنگی و اجتماعی شهر شود. در این راستا، با تمرکز بر ایجاد بسترهای لازم برای همکاری مؤثر بین مدیریت شهری و مساجد، به دنبال ایجاد تعاملات سازنده و بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در این نهاد دینی است. با توجه به نتایج این پژوهش امید است، زمینه‌های لازم برای توسعه و ارتقاء همکاری مساجد با مدیریت شهری فراهم آید و گام‌های مؤثری در جهت تحقق زندگی سالم و بانشاط در پرتو معنویت برداشته شود.

پیشینه پژوهش

جعفر محمدی و کرمی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر نقش و جایگاه مسجد در تحقق شهر خلاق ایرانی اسلامی»، به بررسی نقش مساجد در توسعه خلاقیت و نوآوری در شهرهای ایرانی-اسلامی پرداخته‌اند. آن‌ها با تحلیل ویژگی‌های مساجد و تأثیر آن‌ها بر فضای شهری، به اهمیت مساجد در فرایندهای خلاقانه و نوآورانه در مدیریت شهری اشاره کرده‌اند (جعفر محمدی و کرمی، ۱۳۹۳).

کیخای مقدم (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «نقش مساجد در مدیریت شهری با توجه به بیداری اسلامی» به بررسی جایگاه مساجد در توسعه و مدیریت شهری با توجه به تأثیرات بیداری اسلامی پرداخته است. نویسنده در این مقاله تأکید می‌کند که مساجد به‌عنوان مراکز فرهنگی و اجتماعی می‌توانند نقش مؤثری در مدیریت شهری ایفا کنند، به‌ویژه در برابر تهاجمات فرهنگی و اجتماعی. پژوهشگر در این مقاله با بررسی نقش مساجد در شکل‌دهی به هویت محلی و اجتماعی، پیشنهاد می‌دهد که مساجد می‌توانند به‌عنوان نهادهایی تأثیرگذار در فرایندهای تصمیم‌گیری شهری و بهبود کیفیت زندگی در مناطق مختلف ایفای نقش کنند. این مقاله به‌ویژه بر تأثیرات مذهبی و معنوی مساجد در تقویت روحیه مقاومت و همبستگی اجتماعی در جوامع شهری تأکید دارد (کیخای مقدم، ۱۳۹۴).

مهدوی کنی و امینی هرنندی (۱۳۹۶) در مقاله «توسعه فرهنگی محله‌ای پایدار مسجد محور» با مطالعه موردی مسجد ثامن‌الائمه (ع) در تهران، مدلی از توسعه فرهنگی-اجتماعی ارائه کرده‌اند که بر محوریت مسجد استوار است. این مطالعه با استفاده از روش‌های کیفی و بررسی موانع و قابلیت‌های توسعه، مؤلفه‌های اصلی چنین مدلی را شناسایی کرده است (مهدوی کنی و امینی هرنندی، ۱۳۹۶).

بنایی اسماعیلی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «نقش مسجد در توسعه فرهنگی و

مدیریت شهری (رویکرد محله‌ای)» به بررسی تأثیر مساجد بر فرایند مدیریت شهری در محله‌های خاص پرداخته است. این مقاله با استفاده از یک مطالعه موردی در شهرداری منطقه ۱۵ تهران، به تحلیل روابط مساجد و ویژگی‌های محله‌ها از منظر کالبدی و اجتماعی پرداخته است. پژوهشگر در این مقاله به بررسی تأثیر مساجد در ایجاد شبکه‌های اجتماعی و فرهنگی در سطح محله‌ها و نحوه تعامل آن‌ها با مدیریت شهری می‌پردازد. همچنین، در این تحقیق، روش‌شناسی ترکیبی با استفاده از ابزارهایی مانند مصاحبه، پرسشنامه و فیش‌برداری به کار رفته است. نویسنده نشان می‌دهد که مساجد نه تنها در سطح معنوی، بلکه از لحاظ کالبدی نیز نقشی مهم در شکل‌دهی به فضای شهری و توسعه محله‌ها ایفا می‌کنند. مقاله به این نتیجه می‌رسد که تقویت تعامل میان مساجد و نهادهای مدیریتی می‌تواند به پایداری اجتماعی و توسعه همه‌جانبه محله‌ها کمک کند (بنایی اسماعیلی، ۱۳۹۸).

پزشکی و شریعت‌پناهی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل رابطه مدیریت شهری و توسعه پایدار در بافت‌های تاریخی» به تحلیل نقش مساجد در بافت‌های تاریخی و تأثیر آن‌ها بر فرایند مدیریت شهری و توسعه پایدار پرداخته است. پژوهشگر در این مقاله به‌ویژه بر مساجد موجود در بافت‌های تاریخی شهر شیراز متمرکز است و تلاش می‌کند تا نشان دهد چگونه این مساجد به‌عنوان بخش مهمی از هویت شهری می‌توانند در راستای توسعه پایدار و حفظ بافت‌های تاریخی نقش ایفا کنند. مقاله با استفاده از تحلیل‌های کمی و کیفی و بررسی‌های میدانی به ارزیابی این موضوع می‌پردازد که چگونه مدیریت شهری می‌تواند با بهره‌برداری از مساجد به حفظ و ارتقای بافت‌های تاریخی کمک کند. این مقاله بر اهمیت حفظ ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در راستای توسعه پایدار تأکید دارد (پزشکی و پناهی، ۱۳۹۸).

امیرعضدی و خسروی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه مساجد به‌عنوان فضای شهری ایرانی-اسلامی»، به بررسی نقش مساجد در ساختار فضایی شهرهای اسلامی پرداخته‌اند. آن‌ها با تحلیل تطبیقی، تأثیر مساجد را در ایجاد هویت شهری و توسعه اجتماعی مورد بررسی قرار داده‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد که مساجد نه تنها به‌عنوان مکان‌های عبادی، بلکه به‌عنوان کانون‌های اجتماعی و فرهنگی در شهرهای اسلامی ایفای نقش می‌کنند (خسروی و امیرعضدی، ۱۴۰۰).

قنبری نیک (۱۴۰۰) در مقاله «تحلیلی بر علل تغییر جایگاه و کاهش کارکردهای اجتماعی مسجد در جامعه کنونی»، بیان می‌کند که تغییرات در سطح قوانین،

سیاست‌گذاری‌ها و مدیریت مساجد، همراه با ظهور مراکز مشابه، موجب کاهش جایگاه اجتماعی و کارکردهای سنتی مساجد شده است (قنبری نیک، ۱۴۰۰). اکبری و قاسمی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه مساجد در هویت بخشی به محلات و فضای شهری» به بررسی نقش مساجد در شکل‌دهی به هویت محله‌ها و فضای شهری پرداخته است. پژوهشگر در این مقاله بر این نکته تأکید دارد که مساجد می‌توانند در شکل‌دهی به هویت اجتماعی، فرهنگی و حتی کالبدی محله‌ها نقشی اساسی ایفا کنند. مقاله با بررسی تأثیر مساجد بر روابط اجتماعی، توسعه فرهنگی و حتی ساختار کالبدی محله‌ها، نشان می‌دهد که مساجد می‌توانند به‌عنوان مراکز مهم در مدیریت و تحول شهری به‌ویژه در مناطق تاریخی و فرهنگی شناخته شوند. نویسنده در این مقاله همچنین بر لزوم توجه به مساجد به‌عنوان نهادهای فرهنگی-مذهبی و تأثیر آن‌ها بر بازآفرینی اجتماعی و معنوی محله‌ها تأکید دارد. مقاله پیشنهادهایی در خصوص نحوه تقویت نقش مساجد در تصمیم‌گیری‌های شهری و بهبود فرایندهای مدیریت محلی ارائه می‌دهد (اکبری و قاسمی، ۱۴۰۲).

با توجه به بررسی‌های انجام شده در بخش پیشینه پژوهش، مشخص شد که بیشتر مقالات پیشین به‌طور کلی به نقش اجتماعی یا فرهنگی مساجد پرداخته‌اند، اما به‌طور خاص به تعامل ساختاری و سازمانی میان مدیریت شهری و مساجد در کلان‌شهری مانند تهران توجه نکرده‌اند. همچنین، پژوهش‌های پیشین عمدتاً بر نقش مساجد در تقویت هویت شهری یا بهبود فضای اجتماعی متمرکز بوده‌اند، درحالی‌که جنبه‌های نهادی، کالبدی، برنامه‌ای و فرهنگی تعامل مسجد و مدیریت شهری به‌صورت یکپارچه مورد بررسی قرار نگرفته است.

مقاله حاضر با تمرکز بر چالش‌های همکاری مدیریت شهری و مساجد در تهران، گامی در جهت پر کردن این خلأ پژوهشی برداشته است. این پژوهش نه تنها به شناسایی موانع تعامل سازنده میان این دو نهاد پرداخته، بلکه با ارائه توصیه‌های سیاستی، تلاش کرده است تا الگوهای بهینه‌ای برای تقویت همکاری در مدیریت محلی ارائه دهد. به این ترتیب، مقاله حاضر با ارائه یک چارچوب نظری جدید که ابعاد مختلف تعامل مسجد و مدیریت شهری (کالبدی، نهادی، اجتماعی، فرهنگی، برنامه‌ای) را در برمی‌گیرد، به دانش موجود در این حوزه افزوده و به خلأهای پژوهشی موجود پاسخ می‌دهد.

مبانی نظری پژوهش

۱. مسجد

مسجد مکانی است که مسلمانان برای عبادت و انجام نمازهای جمعی به آن می‌روند. مسجد در زبان فارسی به معنای محل و جایگاه عبادت به کاررفته است. در اصطلاح شرعی «مسجد مکانی است که برای برپایی نماز عموم مسلمین وقف شده باشد.» این مکان از اهمیت ویژه‌ای در فرهنگ و دین اسلام برخوردار است و نقش‌های متعددی در جامعه مسلمانان ایفا می‌کند. مسجد محلی برای عبادت خداست (سعدآبادی و همکاران، ۱۴۰۱).

مسجد در مرحله اول مکان عبادی است، اما از آنجا که منطق قرآنی و نبوی دین و دنیا را به هم پیوند می‌دهد، مسجد به‌عنوان سمبلی عینی و خارجی نهاد دین، منشوری از کارکردهای مختلف بوده و تنها محلی برای عبادت شمرده نمی‌شده است (کشفی، ۱۳۸۹). واژه مسجد به‌صورت مفرد یا جمع در قرآن ۲۸ بار به کاررفته است. مسجد از منظر قرآن، روایات و سیره عملی پیامبر (ص) و امامان شیعه (ع) جایگاهی رفیع و والا دارد (باصری و همکاران، ۱۳۹۵). اجزای اصلی مسجد عبارتند از:

۱. محراب: جایگاهی با طرح‌های اسلیمی در جهت قبله که امام جماعت در آنجا می‌ایستد؛

۲. منبر: سکویی بلند که امام جماعت یا خطیب بر روی آن می‌رود تا خطبه‌های نماز جمعه یا سخنرانی‌ها را ایراد کند؛

۳. گنبد و مناره‌ها: بسیاری از مساجد دارای گنبد و مناره‌های بلند هستند که از نظر معماری و زیبایی‌شناسی اهمیت دارند و اغلب برای اذان گفتن یا پخش اذان مورد استفاده قرار می‌گیرند؛

۴. صحن: فضای باز مرکزی در برخی مساجد که محل تجمع نمازگزاران و انجام برخی فعالیت‌های مذهبی است؛

۵. شبستان: فضایی سرپوشیده که نمازگزاران در آن جمع می‌شوند و نماز را به جای می‌آورند.

مساجد از زمان پیامبر اسلام (ص) تا به امروز یکی از ارکان اصلی جوامع مسلمان بوده‌اند. نخستین مسجد در اسلام، مسجد قبا در مدینه بود که توسط پیامبر (ص) و یارانش ساخته شد. مسجدالحرام در مکه و مسجدالنبی در مدینه از مهم‌ترین مساجد

جهان اسلام محسوب می‌شوند. مسجد به‌عنوان یک نهاد مذهبی و اجتماعی، نقش بسیار مهمی در حفظ و گسترش فرهنگ اسلامی و وحدت جامعه مسلمانان ایفا می‌کند.

۲. مدیریت شهری

مدیریت شهری به فرایند برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت و کنترل منابع و فعالیت‌های مرتبط با توسعه و نگهداری شهرها و مناطق شهری گفته می‌شود. این مفهوم شامل طیف گسترده‌ای از وظایف و مسئولیت‌ها است که هدف آن‌ها بهبود کیفیت زندگی شهروندان و ارتقای کارایی و پایداری شهرها است. مدیریت شهری به برنامه‌ریزی، توسعه و مدیریت مناطق شهری برای اطمینان از استفاده کارآمد از منابع، زیرساخت‌ها و خدمات به نفع ساکنان و پایداری کلی شهر اشاره دارد (Song, 2024). این شامل برنامه‌ریزی کاربری زمین، مدیریت حمل‌ونقل، حفاظت از محیط‌زیست و ارائه خدمات عمومی مانند آب، فاضلاب و مدیریت پسماند است. هدف مدیریت شهری ایجاد محیط‌های شهری قابل زیست، کاربردی و پایدار است. مدیریت شهری به دنبال ارتقای کیفیت زندگی برای شهروندان و ارتقای توسعه کلی شهرها و مناطق شهری است (Moteki, 2024). مدیریت شهری، شالوده نهادی می‌شود که جغرافیاهای ملی و محلی تنظیم‌گر حکومتی بر روی آن بنا می‌شود. در مدیریت شهری اختیارات زیادی تعریف شده است و ابعاد گسترده‌ای را در برمی‌گیرد، از جمله: محیط‌زیست، حمل‌ونقل، مسکن، مسائل اجتماعی، بهداشت، فرهنگ و ... (Gurran & Bramley, 2017).

مدیریت شهری یک فرایند چندبعدی و پیچیده است که نیازمند هماهنگی و همکاری بین نهادها و سازمان‌های مختلف است. هدف اصلی مدیریت شهری بهبود کیفیت زندگی شهروندان و توسعه پایدار شهرها است. با توجه به چالش‌های مختلفی که شهرها با آن مواجه هستند، اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های کارآمد و مشارکت فعال شهروندان نقش مهمی در موفقیت مدیریت شهری دارد. مهم‌ترین اجزای مدیریت شهری عبارتند از (Banzhaf & Hofer, 2008): ۱. برنامه‌ریزی شهری: برنامه‌ریزی شهری شامل طراحی و تنظیم نقشه‌ها و طرح‌هایی است که به توزیع فضایی فعالیت‌ها، خدمات و زیرساخت‌ها در شهر می‌پردازند. این فرایند می‌تواند شامل تهیه طرح‌های جامع شهری، طرح‌های تفصیلی و برنامه‌های توسعه‌ای باشد؛ ۲. زیرساخت‌ها و خدمات عمومی: مدیریت شهری به ایجاد، نگهداری و بهبود زیرساخت‌های شهری مانند جاده‌ها، پل‌ها، سیستم‌های حمل‌ونقل عمومی، آب و فاضلاب، برق و گاز می‌پردازد. ارائه خدمات عمومی نظیر جمع‌آوری زباله، خدمات بهداشتی، آموزشی و

فرهنگی نیز بخشی از این حوزه است؛ ۳. مدیریت محیط‌زیست شهری: این بخش از مدیریت شهری به حفظ و بهبود محیط‌زیست در شهرها می‌پردازد. مدیریت پسماند، کنترل آلودگی هوا و آب، توسعه فضاهای سبز و پارک‌ها و برنامه‌های کاهش تغییرات اقلیمی از جمله وظایف این بخش است؛ ۴. مدیریت بحران و ایمنی: مدیریت شهری باید برنامه‌هایی برای مقابله با بحران‌ها و بلایای طبیعی نظیر زلزله، سیل و آتش‌سوزی داشته باشد. ایجاد سیستم‌های هشداردهی، برنامه‌های تخلیه و آموزش شهروندان برای مواجهه با بحران‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ ۵. مدیریت اقتصادی و مالی: تامین منابع مالی برای پروژه‌های شهری و مدیریت بودجه شهری بخشی از وظایف مدیریت شهری است. این بخش شامل جمع‌آوری مالیات‌ها، تعیین تعرفه‌های خدمات شهری و جذب سرمایه‌گذاری‌ها برای پروژه‌های توسعه‌ای است؛ ۶. مدیریت اجتماعی: مدیریت اجتماعی به مسائل اجتماعی مانند مسکن، اشتغال، آموزش و فرهنگ در شهرها می‌پردازد. برنامه‌هایی برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، بهبود شرایط زندگی در محله‌های فقیرنشین و ارتقاء کیفیت خدمات اجتماعی از جمله وظایف این بخش است.

۳. حکمرانی مشارکتی

در اواخر قرن بیستم، «مشارکت» به یکی از مفاهیم کلیدی در علوم اجتماعی تبدیل شد. این مفهوم به‌عنوان پاسخی به معضلات اجتماعی مطرح شد و در مواردی که حکمرانی بسیار متمرکز و از بالا به پایین بود، رویکرد مشارکتی به‌عنوان ابزاری برای تقویت ارتباط بین مقامات دولتی و شهروندان معرفی گردید (Altschuler & Corrales, 2013). در سال‌های اخیر، مفهوم مشارکت در حکمرانی، به‌ویژه تحت عنوان «حکمرانی مشارکتی»، به‌طور گسترده‌ای مطرح شده است. این نوع حکمرانی به دنبال حل مشکلات و تعارضات مختلف است و بر این اصل تأکید دارد که افراد از طریق مذاکره و همکاری در اجرای تصمیمات به توافقات رضایت‌بخش دست یابند (Schmitter, Grote & Gbikpi, 2002).

حکمرانی مشارکتی به‌عنوان رویکردی که در آن نمایندگان سازمان‌های حکومتی، دولتی، خصوصی و اجتماعی در یک مسیر مشترک و سازنده همکاری می‌کنند، تعریف شده است. مدل‌های مختلفی برای تبیین این نوع حکمرانی ارائه شده‌اند که عمدتاً بر فرایند مشارکت در ارائه خدمات عمومی تمرکز دارند (Mohammadi & Danaeefard, 2019). فیلیپ اشمیتز حکمرانی مشارکتی را به‌عنوان حضور منظم و تضمین‌شده نمایندگان گروه‌هایی که

تحت تأثیر سیاست‌های اتخاذ شده قرار می‌گیرند، در فرایند تصمیم‌گیری الزام‌آور تعریف می‌کند (Camba, 2014). در این رویکرد، قدرت به‌صورت متوازن میان ذی‌نفعان توزیع می‌شود و مردم به‌عنوان رأی‌دهنده و ناظر بر عملکرد دولت ایفای نقش می‌کنند (Zhaleh, 2022) the present study is practical-fundamental in terms of purpose, mixed (qualitative-quantitative). حکمرانی مشارکتی می‌تواند به‌عنوان راهکاری برای ایجاد توافقی‌های پایدارتر و عمیق‌تر بین نهادهای حکمرانی و مردم مطرح شود. برخی کارشناسان معتقدند که پیچیدگی‌ها و عدم قطعیت‌هایی که در تصمیم‌گیری‌های دشوار بروز می‌کند، از طریق مشارکت فعال طرف‌های مختلف که در حل مشکل تأثیرگذارند، کاهش می‌یابد. این فرایند از طریق تصمیم‌گیری جمعی در حکمرانی مشارکتی تسهیل می‌شود (Halim, 2018). همچنین، این نوع حکمرانی به‌عنوان رویکردی برای کاهش احساس بیگانگی رأی‌دهندگان و سرخوردگی از فرایندهای سیاسی مطرح است، چراکه مشارکت واقعی شهروندان در تصمیماتی که به‌طور مستقیم بر زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد، مورد توجه قرار می‌گیرد. در این میان، منتقدان حکمرانی نماینده‌محور، آن را بیش‌ازحد بر عمل رأی‌گیری متمرکز می‌دانند (Batory & Svensson, 2019).

در این میان، مسجد به‌عنوان یک مرکز محلی با ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی، می‌تواند بستری مناسب برای مشارکت فعال مردم در فرایندهای حکمرانی فراهم آورد؛ زیرا مساجد می‌توانند به‌عنوان نهاد واسط، نقش مهمی در تسهیل ارتباط میان مردم و حکمرانان محلی ایفا کنند. با توجه به اینکه حکمرانی مشارکتی به‌طور گسترده‌ای در صحنه سیاست و اجتماع ظاهر شده است، مساجد می‌توانند از طریق فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی، فضایی برای گفت‌وگو، تصمیم‌گیری جمعی و همکاری میان نهادهای محلی و مردم فراهم کنند (موحد، ۱۴۰۲، موحد و میرمحمدیان، ۱۴۰۱).

۴. سرمایه اجتماعی

امروزه در کنار سرمایه‌های انسانی و اقتصادی، سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی نیز مورد توجه قرار گرفته است. سرمایه اجتماعی، به‌عنوان احساس تعهد یا حس همدلی که یک فرد یا گروهی از افراد نسبت به فرد یا گروهی از افراد دیگر دارند، تعریف می‌شود (Robison, Malone, Oliver, Winder, & Ogilvie Jr, 2020). سرمایه اجتماعی زمینه‌های متعددی را در برمی‌گیرد و به‌عنوان سرمایه اجتماعی «متقابل»^۱

شناخته می‌شود (Nelson, 2019). ایده اصلی سرمایه اجتماعی این است که روابط اجتماعی منبعی هستند که می‌توانند برای ایجاد نتایج ارزشمند مورد استفاده قرار گیرند (Heath, Fuller, & Johnston, 2010). سرمایه اجتماعی یک دارایی گران‌بها است و یکی از ویژگی‌های اولیه جوامع سازمان‌یافته اجتماعی است که به شهروندان این فرصت را می‌دهد تا مشکلات جمعی را راحت‌تر حل کنند، دسترسی به منابع را ارتقا دهد، توسعه را آسانتر ارتقا دهد، نقش تعیین‌کننده‌ای برای بازسازی اعتماد و هویت ملی ایفا کند (Wiesinger, 2007) و اطلاعات، نفوذ و همبستگی خودشان را افزایش دهد (Wang, McNally, & Lenihan, 2019).

سرمایه اجتماعی در باورها و ارزش‌های مشترک و در روابط اجتماعی بین اعضای سازمان و جوامع به وجود می‌آید. دیدگاه جمعی از «سرمایه اجتماعی» توسط جیمز کلمن^۱ (۱۹۶۶) پیشنهاد شده است: برخلاف سایر اشکال سرمایه، سرمایه اجتماعی در ساختار روابط بین افراد ذاتی است و در ادوات فیزیکی تولید وجود ندارد. با توجه به این تعریف، می‌توان چنین فرض کرد که نه تنها افراد، بلکه گروه‌ها و سازمان‌هایی مانند محل کار نیز دارای سرمایه اجتماعی هستند. مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی وجود ارزش‌ها و اعتقادات جمعی و اعتماد متقابل بین اعضای یک سازمان است. سرمایه اجتماعی را می‌توان به‌عنوان یکی از ویژگی‌های نظام‌های اجتماعی تعریف کرد که می‌تواند ظرفیت عملکرد اعضای خود را بهبود بخشد (Kowalski et al., 2010).

سرمایه اجتماعی، کیفیت و کمیت تعاملات اجتماعی یک جامعه را شکل می‌دهند (Fantahun, Berhane, Wall, Byass, & Högberg, 2007). سرمایه اجتماعی به‌عنوان «شبکه‌ها، هنجارهای تعامل و اعتماد» تعریف شده است و به‌طور کلی بر اساس باورها و ارزش‌های مشترک یا هویت جمعی ساخته شده است (Po & Hickey, 2020). ما سرمایه اجتماعی را به‌عنوان منبعی در نظر می‌گیریم که می‌تواند هم برای افراد و هم برای سازمان‌ها در دسترس باشد (Kowalski et al., 2010).

مساجد به‌عنوان نهادهای دینی و اجتماعی در جوامع اسلامی، نقش حیاتی در تقویت سرمایه اجتماعی ایفا می‌کنند. این مراکز نه تنها فضایی برای عبادت و معنویت فراهم می‌آورند، بلکه به‌عنوان محلی برای تعاملات اجتماعی، تقویت روابط میان افراد و گروه‌ها و ترویج ارزش‌های همکاری و همبستگی عمل می‌کنند. از طریق فعالیت‌های مذهبی، فرهنگی و اجتماعی نظیر مراسم، کارگاه‌ها و جلسات مشاوره، مساجد به تقویت

اعتماد اجتماعی، کاهش شکاف‌های اجتماعی و ارتقای مشارکت مدنی کمک می‌کنند. این فعالیت‌ها موجب ایجاد شبکه‌های اجتماعی مستحکم و روابط میان‌فردی می‌شود که در نهایت به پایداری و انسجام اجتماعی در جامعه کمک می‌کند؛ بنابراین، مساجد به‌عنوان کانون‌های ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی، به بهبود عملکرد اجتماعی و توسعه جوامع محلی کمک می‌نمایند (قنبری نیک، ۱۴۰۰).

۵. بررسی تاریخی نقش مساجد در نظام تصمیم‌گیری‌های محلی و شهری

مسجد به‌عنوان نخستین پایگاه اجتماعی و اولین نهاد عبادی-سیاسی در جامعه اسلامی، با ورود پیامبر اعظم (ص) به شهر یثرب در جریان هجرت تاریخی ایشان از مکه به مدینه تأسیس شد. در ساخت این مسجد تاریخی، تمامی همراهان پیامبر (ص) از جمله خود ایشان به‌طور مستقیم مشارکت داشتند. این موضوع نشان‌دهنده اهمیت ویژه این اقدام است، زیرا با وجود خستگی ناشی از سفری طولانی و دشوار و در میان انبوهی از کارهای ضروری، پیامبر (ص) خود به ساخت این مکان مقدس اهتمام ورزیدند. بر اساس آیات متعدد قرآن کریم، هیچ‌یک از افعال و رفتار پیامبر (ص) بدون اراده و دستور الهی انجام نمی‌شد. از این رو، جایگاه و اهمیت این مسجد به مراتب برجسته‌تر می‌شود (باصری و همکاران، ۱۳۹۵).

نقش مساجد در نظام تصمیم‌گیری از صدر اسلام و توسط پیامبر اکرم (ص) اهمیت پیدا کرد. پیامبر اکرم (ص) مسجد را به‌عنوان نخستین پایگاه برای رسیدگی به مسائل مردمی و تبیین سیاست اسلام برگزید. پیامبر اکرم (ص) لازم می‌دید مرکزی به وجود آورد که عموم مردم مسلمان در هر هفته روز معینی در آنجا دور هم گرد آیند و در مصالح اسلام و مسلمانان به شور و مشورت پردازند و تصمیم‌گیری کنند. در صدر اسلام مسجد به‌عنوان پایگاه نمایش وحدت مسلمانان در مقابل دشمنان پنهان و آشکار جامعه نوپای اسلامی مطرح می‌شد و همواره قرارگاه سیاسی دولت در صدر اسلام محسوب می‌شد (صفاکیش، ۱۳۹۰).

مسجد مدینه در صدر اسلام تنها مکانی برای ادای نماز نبود، بلکه کانون فعالیت‌های دینی و اجتماعی مسلمانان به شمار می‌رفت. هرگاه نیاز به برگزاری اجتماع یا تصمیم‌گیری‌های مهم پیش می‌آمد، مردم به مسجد فراخوانده می‌شدند. این مکان نقش اصلی در اطلاع‌رسانی اخبار مهم و اعلام تصمیمات جدید داشت و نقطه تجمع و هماهنگی جامعه اسلامی بود (مهدوی‌نژاد و مشایخی، ۱۳۸۹). در صدر اسلام برخی از خدمات محلی مانند رسیدگی به فقرا و مداوای مجروحین و رسیدگی به آسیب دیدگان نیز

در همین مکان صورت می‌پذیرفت (معتمدی‌فرد و صباحی، ۱۴۰۰). در تاریخ معاصر نیز می‌توان گفت مساجد نقش بی‌بدیلی در پیروزی انقلاب اسلامی داشتند. مثلاً اقدام‌های هم‌زمان و یکسانی در مساجد و در اعتراض به اقدام‌های رژیم پهلوی صورت می‌گرفت، مانند امتناع از برگزاری نماز جماعت و تدریس (مهدی‌امینیان، ۱۳۹۲).

با افزایش مبارزات مردم علیه حکومت پهلوی، مساجد جایگاهی ویژه و مؤثرتر یافتند. حضور روحانیون و نخبگان دانشگاهی در اماکن مذهبی، از جمله حسینیه‌ها و مساجد، نقش مهمی در آگاهی‌بخشی به مردم ایفا کرد و آنان را با واقعیت‌های جامعه، فساد دربار، مظالم حکومت و سیاست‌های ضد دینی رژیم پهلوی آشنا ساخت. ایدئولوژی اسلامی، روحانیت مبارز و رهبری مرجعیت دینی، عواملی بودند که جوانان معترض را به سمت مساجد سوق دادند؛ زیرا این مکان‌ها ریشه در اعتقادات مردم داشتند. بدین ترتیب، مساجد به‌عنوان مراکز شکل، مدیریت منابع مالی و پشتیبانی نهادهای مذهبی، به‌صورت مستقل از حکومت و بدون وابستگی به سازمان‌های تحت کنترل رژیم، نقش کلیدی در بسیج میلیونی مردم در سراسر کشور ایفا کردند (سبحانی‌متین و همکاران، ۱۳۹۹).

یکی از نهادهای دیرپای اجتماعی در جامعه ایران که همواره با زندگی مردم پیوندی عمیق و ناگسستنی داشته، مسجد است (پولادی و بیاتی، ۱۳۹۷). مسجد مرکز اداره امور و حکمرانی محلی است و پایگاه انواع و اقسام فعالیت‌های اجتماعی و همه کارهای نیک در راستای پیشرفت جامعه است. امامان جماعت مساجد در طول تاریخ در حل مسائل محلی و شهری نقش پررنگی را ایفا می‌کردند. با بررسی مستندات می‌توان نقش‌های زیر را برای امامان جماعت مساجد در تصمیم‌گیری‌های محلی و شهری برشمرد (موحد، ۱۴۰۲، موحد و میرمحمدیان، ۱۴۰۱):

۱. تسهیل‌گر ارشد محله در حل مسائل محله و شهر به کمک مردم؛
۲. تصمیم‌گیرنده برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی محله و شهر؛
۳. پاسخگویی و تبیین تصمیمات کلان نظام اسلامی و اندیشه‌های ولی فقیه؛
۴. کنشگر و مطالبه‌گر اجتماعی؛
۵. امیدبخشی به اهالی محله و شهر؛
۶. میانجی‌گری، رفع و دفع اختلافات و مشکلات مردم محله و شهر؛
۷. محور جلب مشارکت‌های مردمی در زمینه‌های مختلف؛ (فعالیت‌های کارگروه‌های مساجد)؛

۸. محور شناسایی و رفع عوامل ایجاد آسیب‌های اجتماعی شامل اعتیاد، طلاق، مفاسد اخلاقی و اجتماعی، فقر و حاشیه‌نشینی؛
۹. محور شناسایی و تربیت نخبگان دانش‌آموزی و جوان جهت نیروسازی برای آینده نظام؛
۱۰. شناسایی مسائل و تصمیم‌گیری در خصوص چالش‌ها، آسیب‌ها و فرصت‌های فرهنگی، اجتماعی و خدماتی محله و شهر؛
۱۱. برگزارکننده رویدادهای نوآورانه در سطوح مختلف علمی و سنی، با تأکید بر حضور و مشارکت نوجوانان و جوانان در حل معضلات محله و شهر.

۶. چارچوب مفهومی تعامل مسجد و مدیریت شهری

تعامل میان مساجد و مدیریت شهری می‌تواند به تقویت همکاری‌های چندبعدی در حوزه‌های مختلف شهری کمک کند. برای درک بهتر این تعاملات و تأثیرات آن‌ها بر توسعه شهری، نیاز به طراحی یک چارچوب مفهومی دقیق است که ابعاد مختلف این تعاملات را در سطوح کالبدی، نهادی، اجتماعی، فرهنگی و برنامه‌ای بررسی کند. در ادامه این چارچوب مفهومی توضیح داده می‌شود.

الف) بعد کالبدی

کالبد شهری به ساختار فیزیکی و محیط‌زیست شهری اشاره دارد که مساجد در آن فعالیت می‌کنند. تعامل مسجد و مدیریت شهری در این بعد شامل تأثیر مساجد بر طراحی فضاهای عمومی، ساختار شهری و توسعه فیزیکی محله‌ها است. مساجد می‌توانند به‌عنوان نقاط کانونی در محله‌ها عمل کنند که تأثیرات آن‌ها به شکل مستقیم بر نحوه استفاده از فضاهای عمومی و فضای شهری ملموس است. این تأثیرات می‌توانند شامل طراحی معابر، میدان‌ها و فضای سبز اطراف مسجد باشد که علاوه بر کارکرد مذهبی، به تقویت هویت محله کمک می‌کنند.

برای مثال، طراحی معماری مساجد می‌تواند نشان‌دهنده ارتباط فرهنگ اسلامی با فضای شهری باشد که در نهایت موجب ارتقای هویت شهری و معنوی محله می‌شود. تعامل میان مساجد و مدیریت شهری می‌تواند در این بعد شامل هم‌افزایی در طرح‌های توسعه شهری و توجه به استفاده از فضاهای عمومی به‌صورت هم‌زمان برای عبادت، آموزش و تعاملات اجتماعی باشد.

ب) بعد نهادی

بعد نهادی به ساختارهای سازمانی و نهادی اشاره دارد که مدیریت شهری و مساجد در آن‌ها فعالیت می‌کنند. در این زمینه، تعامل مساجد و مدیریت شهری می‌تواند شامل مشارکت در سیاست‌گذاری‌های شهری و تقویت همکاری‌های نهادی باشد. مساجد به‌عنوان نهادهایی با پایگاه اجتماعی گسترده می‌توانند در فرایندهای حکمرانی محلی و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی نقش فعال داشته باشند.

در این بعد، مدل حکمرانی مشارکتی می‌تواند مؤثر واقع شود. مدیریت شهری می‌تواند از ظرفیت مساجد به‌عنوان مراکز اجتماعی برای جلب مشارکت مردمی در فرایندهای تصمیم‌گیری و ارائه خدمات عمومی استفاده کند. این همکاری‌ها به تقویت هماهنگی میان نهادهای مختلف شهری، از جمله شهرداری و دیگر نهادها و سازمان‌های دولتی، کمک می‌کند.

ج) بعد اجتماعی

بعد اجتماعی به روابط میان اعضای جامعه و تأثیرات آن‌ها بر همبستگی اجتماعی و تعاملات محلی اشاره دارد. مساجد به‌عنوان نهادهای اجتماعی، می‌توانند در تقویت همبستگی اجتماعی و انسجام محلی نقش بسزایی ایفا کنند. تعامل میان مساجد و مدیریت شهری در این بعد می‌تواند شامل ایجاد شبکه‌های اجتماعی و پشتیبانی از نهادهای اجتماعی محلی باشد.

مساجد به‌عنوان بسترهایی برای تبادل اطلاعات، کمک‌های اجتماعی و حمایت‌های معنوی می‌توانند به تقویت احساس مسئولیت و همبستگی اجتماعی کمک کنند. در این راستا، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی می‌تواند موجب کاهش مشکلات اجتماعی و تقویت مشارکت عمومی شود. نقش مساجد در برگزاری مراسم‌های اجتماعی، فرهنگی و آموزشی به شکل ملموس بر انسجام محلی تأثیر می‌گذارد.

د) بعد فرهنگی

بعد فرهنگی به نقش مساجد در حفظ و ترویج فرهنگ اسلامی و آموزش‌های دینی در جامعه اشاره دارد. مساجد می‌توانند به‌عنوان مراکز فرهنگی محله‌ها عمل کنند و در زمینه‌های مختلف فرهنگی، از جمله آموزش قرآن، تفسیر دینی و اجرای برنامه‌های فرهنگی، نقشی محوری داشته باشند.

در تعامل با مدیریت شهری، مساجد می‌توانند در پروژه‌های فرهنگی شهری مشارکت کنند و در ارتقای سطح آگاهی عمومی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اخلاقی

و دینی کمک کنند. این همکاری‌ها می‌تواند شامل طراحی و اجرای برنامه‌های فرهنگی و آموزشی در سطح محله‌ها باشد که نه تنها به رشد فرهنگی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به کاهش آسیب‌های اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی شهروندان منجر شود.

ر) بعد برنامه‌ای

بعد برنامه‌ای به فعالیت‌های مشترک میان مساجد و مدیریت شهری در راستای برنامه‌ریزی شهری و طرح‌های توسعه پایدار اشاره دارد. در این راستا، مساجد می‌توانند در پروژه‌های شهری و برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای مشارکت کنند تا توسعه‌ای هماهنگ و پایدار را در سطح محله‌ها و شهرها فراهم آورند.

تعامل میان مدیریت شهری و مساجد در این بعد می‌تواند شامل برنامه‌های مشترک برای بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در محله‌ها باشد. برای مثال، مساجد می‌توانند در طرح‌های توسعه اجتماعی و فعالیت‌های زیست‌محیطی نقش داشته باشند، از جمله مشارکت در پروژه‌های کاهش آلودگی، بهبود حمل‌ونقل عمومی و افزایش دسترسی به خدمات شهری.

بنابراین، تعامل میان مسجد و مدیریت شهری در ابعاد کالبدی، نهادی، اجتماعی، فرهنگی و برنامه‌ای می‌تواند به توسعه شهری پایدار و هماهنگ کمک کند. این چارچوب مفهومی به تحلیل دقیق‌تری از ابعاد مختلف این تعاملات کمک می‌کند و به نهادهای شهری و مساجد امکان می‌دهد تا با همکاری‌های مؤثر، به بهبود کیفیت زندگی شهری و انسجام اجتماعی دست یابند.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و توسعه‌ای است و روش گردآوری داده‌ها، مطالعه کتابخانه‌ای و مطالعه اسناد و مدارک، مصاحبه و مشاهده می‌باشد. روش این پژوهش کیفی بوده و از نوع توصیفی-تحلیلی است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی یکی از رویکردهای جامع در تحقیقات علوم انسانی و اجتماعی است که برای بررسی پدیده‌های پیچیده و چندوجهی به کار می‌رود. این روش با هدف توصیف دقیق وضعیت موجود و تحلیل روابط بین عوامل مختلف، امکان ارائه نتایج عملی و کاربردی را فراهم می‌آورد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی ابزاری جامع برای مطالعه پدیده‌ها است که امکان توصیف دقیق و تحلیل روابط بین عوامل مختلف را فراهم می‌کند که می‌تواند به‌ویژه در زمینه‌های اجتماعی، مدیریتی و برنامه‌ریزی مفید باشد. این روش در طیف گسترده‌ای

از موضوعات به کار گرفته می‌شود، به‌ویژه در زمینه‌های (Leavy, 2022):

- مطالعات شهری: برای تحلیل مسائل پیچیده شهری مانند ترافیک، مسکن، یا توسعه پایدار.
- تحقیقات اجتماعی: برای مطالعه و تحلیل پدیده‌های اجتماعی نظیر نابرابری اجتماعی، فرهنگ، یا تغییرات اجتماعی.
- برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری: برای بررسی و تحلیل سیاست‌های عمومی و تأثیر آن‌ها بر جامعه.

این روش از دو بخش تشکیل شده است که در ادامه به توضیح بیشتری در خصوص این دو بخش ارائه می‌شود (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۴۰۳):

۱. بخش توصیفی:

در بخش توصیفی، پژوهشگر به دنبال شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات دقیق و واقعی در مورد موضوع مورد مطالعه است. این بخش از تحقیق معمولاً بدون قضاوت و تحلیل اولیه انجام می‌شود و تمرکز اصلی بر ارائه تصویری واقع‌گرایانه و جامع از وضعیت کنونی است. به عبارت دیگر، پژوهشگر به شرح وضعیت موجود می‌پردازد. در این بخش، پژوهشگر از ابزارهای مصاحبه با صاحب‌نظران بخش مدیریت شهری و مسجد، مطالعه اسناد و مقالات و مشاهدات میدانی استفاده کرده است.

۲. بخش تحلیلی:

پس از تکمیل بخش توصیفی، نوبت به تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده می‌رسد. در این بخش، پژوهشگر با استفاده از روش‌های تحلیلی سعی در کشف الگوها، روابط و علل و معلول‌های پدیده مورد مطالعه دارد. تحلیل داده‌ها معمولاً بر اساس چارچوب نظری یا مدل‌های مفهومی انجام می‌شود که در آن فرضیات و روابط متغیرها مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. مهم‌ترین مراحل در بخش تحلیلی به‌صورت زیر است (دانایی‌فرد، الوانی و آذر، ۱۳۸۶):

- شناسایی روابط بین متغیرها: در این مرحله پژوهشگر به دنبال کشف چگونگی ارتباط متغیرهای مستقل و وابسته در تحقیق بوده است.
- استفاده از مبانی نظری: در این پژوهش از نظریات و مبانی علمی برای تبیین یافته‌ها و ارائه تحلیل‌های عمیق‌تر استفاده شده است.
- ارائه نتایج و پیشنهادها: در نهایت، تحلیل داده‌ها منجر به ارائه توصیه‌های سیاستی شده است که می‌تواند به ارائه پیشنهادها کاربردی در مدیریت شهری منجر شود.

ابزارهای گردآوری داده‌ها

در این پژوهش از ابزارهای مختلفی برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است:

۱. مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی: جهت بررسی مفاهیم نظری، چارچوب‌های مفهومی و پیشینه پژوهش، از منابع کتابخانه‌ای، مقالات علمی و اسناد مرتبط استفاده شد.

۲. مصاحبه: به منظور جمع‌آوری داده‌های میدانی، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ نفر از صاحب‌نظران حوزه مدیریت شهری و امامان جماعت مساجد فعال در تهران انجام شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و از میان مناطقی که دارای مساجد فعال در تعاملات شهری بودند، صورت گرفت.

۳. مشاهده میدانی: به منظور درک بهتر از تعامل میان مساجد و مدیریت شهری، از مشاهده مستقیم فعالیت‌ها و برنامه‌های اجرایی در برخی مساجد فعال استفاده شد.

روش نمونه‌گیری این پژوهش به صورت هدفمند^۱ انجام شده است. ابتدا محله‌های دارای مساجد فعال شناسایی شدند و سپس بر اساس معیارهایی نظیر نقش مساجد در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی، نمونه‌ها انتخاب گردیدند.

تحلیل داده‌ها

پس از گردآوری داده‌ها، تحلیل کیفی با استفاده از تکنیک تحلیل محتوای کیفی انجام شد. برای تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، از روش کدگذاری محوری استفاده گردید. در این فرایند، مفاهیم کلیدی استخراج شده و به دسته‌های موضوعی تقسیم شدند. سپس، الگوهای تعامل میان مساجد و مدیریت شهری شناسایی و تحلیل شد. برای اطمینان از اعتبار داده‌ها، از تکنیک‌های مثلث‌سازی^۲ استفاده شد. بدین صورت که داده‌های گردآوری شده از طریق مصاحبه، مشاهده و اسناد به صورت متقاطع بررسی گردید تا دقت و صحت اطلاعات تضمین شود. همچنین، تحلیل‌ها توسط چند پژوهشگر دیگر نیز بازبینی شده تا از قابلیت اطمینان نتایج اطمینان حاصل گردد. این روش جامع و دقیق به پژوهشگر امکان داد تا ضمن توصیف تعاملات مسجد و مدیریت شهری، به تحلیل دقیق چالش‌ها و ارائه راهکارهای سیاستی بپردازد.

۱. Purposive Sampling

۲. Triangulation

یافته‌های پژوهش

بنا بر اعلام شورای اسلامی شهر تهران و دبیر شورای ساماندهی، توسعه و گسترش مساجد شهر تهران، در حال حاضر تهران بیش از ۲ هزار و ۱۰۰ مسجد دارد و حداقل باید یک هزار مسجد دیگر نیز ساخته شود. در ادامه با بررسی میدانی مساجد شهر تهران، مصاحبه با صاحب نظران و جمع‌آوری مطالب مرتبط یافته‌ها ارائه می‌شود. یافته‌ها به دو بخش «چالش‌ها و موانع جاری سازی مسجد محوری در مدیریت شهری تهران» و «ارائه توصیه‌های سیاستی جهت ارتقاء همکاری مدیریت شهری با مساجد» تقسیم شده است که در ادامه به توضیح هر بخش و ارائه شواهد مرتبط پرداخته می‌شود.

چالش‌ها و موانع همکاری مدیریت شهری با مساجد

در این پژوهش، چالش‌ها و موانع همکاری مدیریت شهری با مساجد در شهر تهران به صورت دسته‌بندی شده شناسایی و تحلیل گردید. برای تحلیل دقیق‌تر، چالش‌ها در چهار دسته کلی ساختاری، نهادی، فرهنگی-اجتماعی و برنامه‌ای تقسیم‌بندی شدند. همچنین، به منظور اولویت‌بندی، چالش‌ها بر اساس شدت تأثیر و فراوانی آن‌ها در مصاحبه‌ها مورد ارزیابی قرار گرفتند.

۱. چالش‌های ساختاری

- کم‌توجهی مدیران شهری به ظرفیت‌های مساجد: در بسیاری از مناطق، مدیران شهری به اهمیت و ظرفیت‌های مساجد در فرایندهای مدیریتی و اجتماعی توجهی ندارند.
- تعدد و تداخل نهادی: وجود سازمان‌ها و نهادهای متعدد که در امور مساجد مداخله دارند، منجر به سردرگمی در مدیریت و هماهنگی شده است.

۲. چالش‌های نهادی

- عدم تربیت امام جماعت طراز انقلاب اسلامی: امامان جماعت اغلب بدون آموزش‌های لازم برای مدیریت محله و تعامل سازنده با مدیریت شهری هستند. حوزه‌های علمیه نیز برنامه منسجمی برای تربیت چنین امامانی ندارند.
- نبود الگوهای موفق: هنوز امامان جماعت موفق و مساجد فعال شناسایی نشده‌اند تا دیگر مساجد بتوانند از آن‌ها الگو بگیرند.

۳. چالش‌های فرهنگی-اجتماعی

- عدم تعامل شبکه‌ای مساجد: بسیاری از مساجد به صورت جزایر پراکنده عمل می‌کنند و امامان جماعت ارتباط منسجمی با یکدیگر ندارند.
- آسیب‌های اجتماعی در محلات محروم: حضور روحانیان در محلات حاشیه‌ای با چالش‌های فرهنگی و اجتماعی متعددی روبرو است که نیازمند برنامه‌های هدفمند و جامع می‌باشد.

۴. چالش‌های برنامه‌ای

- توجه ناکافی به رسانه: مساجد از رسانه به عنوان ابزار تبلیغی بهره کافی نمی‌برند که این امر موجب کاهش ارتباطات اجتماعی و فرهنگی در جامعه می‌شود.
- برای اولویت‌بندی چالش‌ها، معیارهایی نظیر شدت تأثیر، گستردگی در محلات و میزان ارتباط با مدیریت شهری در نظر گرفته شد. بر اساس این معیارها، مهم‌ترین چالش‌ها به ترتیب شامل: ۱. کم‌توجهی مدیران شهری به ظرفیت‌های مساجد؛ ۲. عدم تربیت امام جماعت طراز انقلاب اسلامی؛ ۳. آسیب‌های اجتماعی در محلات محروم، ۴. تعدد و تداخل نهادی و ۵. عدم تعامل شبکه‌ای مساجد می‌باشند.
- بررسی ارتباط بین چالش‌ها نشان می‌دهد که برخی از این موانع به صورت زنجیره‌وار بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. برای مثال، کم‌توجهی به تربیت امام جماعت مناسب منجر به عدم تعامل شبکه‌ای می‌شود و این خود بر ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی مساجد تأثیر می‌گذارد. همچنین، حضور چندین نهاد در امور مسجد، مشکلات ساختاری و مدیریتی را دوچندان کرده و موجب کاهش انسجام در سیاست‌گذاری‌های محلی شده است.

توصیه‌های سیاستی جهت ارتقاء همکاری مدیریت شهری با مساجد

برای ارتقاء همکاری مدیریت شهری با مساجد، چندین توصیه سیاستی می‌تواند مطرح شود که به ایجاد تعامل و همکاری مؤثرتر بین این دو نهاد کمک کند. این توصیه‌ها می‌توانند به بهبود خدمات ارائه‌شده به شهروندان، تقویت همبستگی اجتماعی و افزایش کارایی مساجد و مدیریت شهری بیانجامد. در ادامه، توصیه‌های سیاستی برای ارتقاء این همکاری آورده شده است:

- ۱- **مدیریتی و ساختاری:** ایجاد سازوکارهای هماهنگی مانند ستادهای مشترک بین مدیریت شهری و مساجد، شوراهای تحول محله برای تصمیم‌گیری‌های مشارکتی و کمیته‌های مشورتی جهت تبادل نظر و برنامه‌ریزی‌های راهبردی.

۲- **فرهنگی و اجتماعی:** توسعه برنامه‌های مشترک فرهنگی و مذهبی با تأکید بر نوآوری، مانند برگزاری مراسم و مناسبت‌های فرهنگی مشترک در مساجد و فضاهای عمومی. همچنین طراحی پلتفرم‌های مشترک برای اطلاع‌رسانی و هماهنگی فعالیت‌ها بین مدیریت شهری و مساجد.

۳- **اقتصادی و مالی:** ایجاد بودجه‌های مشترک جهت اجرای پروژه‌های فرهنگی-اجتماعی، تجهیز مساجد به امکانات موردنیاز با همکاری مدیریت شهری و تشویق به کارآفرینی محلی با محوریت مساجد. نقش‌آفرینی مردم در تأمین منابع مالی از طریق صندوق‌های خیریه و مشارکت در پروژه‌های اقتصادی محله‌محور نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

۴- **زیرساختی و کالبدی:** بهبود زیرساخت‌های شهری در مجاورت مساجد مانند دسترسی به حمل‌ونقل عمومی، ایجاد پارکینگ مناسب و بهسازی فضای سبز. همچنین تجهیز مساجد به امکانات بهداشتی و رفاهی مانند آشپزخانه، سرویس‌های بهداشتی و فضای مناسب برای خانواده‌ها.

۵- **مدیریت بحران:** استفاده از ظرفیت مساجد به‌عنوان مراکز پناهگاهی در مواقع بحران، برگزاری دوره‌های آموزشی برای نیروهای مسجد در مدیریت بحران و همکاری مدیریت شهری در تجهیز مساجد به امکانات ضروری برای مواقع اضطراری.

لازم به ذکر است، یکی از مهم‌ترین الزاماتی که برای استقرار الگوی مسجد محوری در مدیریت شهری تهران لازم است، تبدیل شدن توصیه‌های سیاستی مذکور به گفتمان‌سازی است. لازم است این گفتمان‌سازی هم در بین اهالی مسجد و هم بین مدیران و مسئولان شهری انجام شود (موحد، ۱۴۰۲). همچنین، زمینه‌سازی برای تبدیل مساجد به کانون مطالبات مردم و جلب توجه مدیران شهری به آن‌ها ضروری است. مساجد باید جایگزین احزاب منفعل شوند و از طبقات مستضعف دفاع کنند. باید مساجد به مرکزی برای مطالبات مردمی تبدیل شوند و این مطالبات با زبان مسجدی از حاکمیت و مدیران شهری خواسته شود. علاوه بر این، مطالبات مردم باید به گفتمان عمومی تبدیل شوند و به مطالبات فعال بدل شوند تا دولت و سایر قوا ناچار به پاسخگویی به آن‌ها شوند. این نیز یکی از مأموریت‌های مهم مساجد است و شاید از بسیاری از خدمات اجتماعی ذکر شده، مهم‌تر باشد. مردم مطالباتی از حاکمیت دارند و مساجد باید این مطالبات را نمایندگی کنند و زبان کسانی شوند که قادر به بیان خواسته‌های خود نیستند، اما با استفاده از ادبیات دینی و اخلاقی (مزینانی، ۱۴۰۲).

نتیجه‌گیری

مسجد به‌عنوان یکی از ارکان اصلی محله‌ها در شهرهای اسلامی و ایرانی، همواره نقشی مرکزی داشته و در طول تاریخ تا زمان معاصر کارکردهای متنوعی را برعهده گرفته است. به همین دلیل، این نهاد می‌تواند در الگوی بومی توسعه فرهنگی-اجتماعی در سطح محله نقشی مؤثر و کارآمد ایفا کند. مسجد، مرکز اداره امور و حکمرانی محلی است و پایگاه انواع و اقسام فعالیت‌های اجتماعی و همه کارهای نیک در راستای پیشرفت شهر است.

تحقیق حاضر با هدف شناسایی چالش‌ها و ارائه توصیه‌های سیاستی جهت ارتقاء همکاری مدیریت شهری با مساجد شهر تهران، نتایج مهمی را به دست داد که می‌تواند در بهبود تعاملات میان نهادهای شهری و مساجد مؤثر باشد. در طول این پژوهش، تلاش شد تا با شناسایی و تحلیل دقیق فرصت‌ها و مسائل موجود، سیاست‌ها و راهکارهایی جامع و کارآمد برای همکاری مؤثر بین مدیریت شهری و مساجد ارائه شود. ایجاد بسترهای لازم برای تعامل سازنده و استفاده از ظرفیت‌های مساجد در حوزه‌های مختلف از جمله اهداف کلیدی این پژوهش بوده است.

یافته‌ها نشان داد که مساجد به‌عنوان نهادهای فرهنگی-اجتماعی در شهر تهران ظرفیت بالایی برای ایفای نقش در تقویت ارتباطات اجتماعی و فرهنگی دارند، اما به دلیل نبود هماهنگی و برنامه‌ریزی مؤثر، از این ظرفیت به طور کامل بهره‌برداری نمی‌شود. یکی از مهم‌ترین راهکارهای ارائه‌شده در این تحقیق، استفاده از ظرفیت مساجد برای اجرای برنامه‌های فرهنگی و مذهبی در اماکن عمومی و پر تردد مانند مترو است که می‌تواند به گسترش دسترسی به فعالیت‌های فرهنگی و دینی در سطح وسیع کمک کند. همچنین، تخصیص زمین و کمک به ساخت مساجد در مناطق نیازمند و فراهم آوردن امکانات موردنیاز برای ساخت خانه عالم، می‌تواند در رفع کمبودهای موجود در مناطق مختلف تهران مؤثر باشد.

از دیگر توصیه‌های مهم این تحقیق، محور قرار دادن مساجد در طرح‌های شهرسازی است. مساجد می‌توانند به‌عنوان کانون‌های اجتماعی در محله‌ها نقش محوری ایفا کنند، به‌ویژه اگر در برنامه‌ریزی‌های شهری و تخصیص اعتبارات فرهنگی برای اجرای برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی دیده شوند. علاوه بر این، نظارت بر نقشه، معماری و مقاوم‌سازی مساجد از اهمیت بالایی برخوردار است تا این اماکن بتوانند به‌عنوان مراکز پایدار و مقاوم در برابر بحران‌ها عمل کنند.

راه‌اندازی کمیته‌های مشترک برای عمران و معماری مساجد، ارتقای سازوکار «هیئت‌امای مسجد» به «شورای تحول محله» و تقویت نظارت و ارزیابی اجرای طرح‌ها نیز از جمله پیشنهادات این تحقیق برای بهبود همکاری‌ها است. توجه به مساجد محله‌هایی که پتانسیل رشد بیشتری دارند و معرفی مساجد برتر به‌عنوان الگو، می‌تواند به ایجاد تحولی بنیادین در سطح محله‌ها کمک کند. در نهایت، این پژوهش با پیشنهاد راهکارهایی نوین برای تقویت همکاری‌های بین نهادهای شهری و مساجد، می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی شهری، افزایش مشارکت اجتماعی و حل مسائل محلی کمک کند.

اجرای موفقیت‌آمیز این توصیه‌های سیاستی نیازمند همکاری و مشارکت همه‌جانبه نهادهای مرتبط، از جمله مدیریت شهری، شهرداری تهران، امور مساجد، سازمان تبلیغات، حوزه‌های علمیه و خود فعالین مساجد است. امید است با اجرای این پژوهش، نقش مساجد به‌عنوان یک نهاد چندبعدی و مؤثر در مدیریت شهری تقویت شده و زمینه‌های لازم برای پیشرفت جامعه و ارتقای کیفیت زندگی در شهر تهران فراهم آید.

پیشنهادها

با توجه به یافته‌های این تحقیق، می‌توان به برخی از زمینه‌های پژوهشی برای تحقیقات آتی اشاره کرد که می‌توانند به عمق بیشتری در خصوص تعاملات بین مدیریت شهری و مساجد کمک کنند:

۱. مطالعه تطبیقی در شهرهای مختلف

پژوهش‌های مقایسه‌ای در مورد نحوه تعامل مدیریت شهری با مساجد در شهرهای مختلف ایران یا حتی کشورهای دیگر می‌تواند به درک بهتر از مدل‌های موفق و چالش‌های موجود کمک کند. این مطالعات می‌توانند به ارائه راهکارهای نوین برای همکاری‌های بین نهادی در تهران و دیگر شهرهای مشابه کمک کنند.

۲. ارزیابی تأثیر همکاری‌های شهری و مساجد بر کیفیت زندگی

تحقیقی جامع درباره تأثیر مستقیم همکاری‌های مدیریت شهری و مساجد بر کیفیت زندگی شهروندان و شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی محله‌ها می‌تواند نشان دهد که این نوع همکاری‌ها تا چه حد در ارتقای رفاه عمومی مؤثر هستند. همچنین، می‌توان به بررسی نحوه تأثیر این همکاری‌ها بر کاهش مشکلات

اجتماعی، مانند جرم و ناهنجاری‌های اجتماعی، پرداخت.

۳. تحلیل هزینه-فایده راهکارهای پیشنهادی

تحقیقی در خصوص تحلیل هزینه-فایده راهکارهای پیشنهادی در این مقاله می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا ارزیابی دقیقی از هزینه‌ها و منافع این طرح‌ها داشته باشند و تصمیمات مؤثرتری در تخصیص منابع و اولویت‌بندی اقدامات اتخاذ کنند.

۴. مطالعه بر روی مدل‌های مشارکت فعال شهروندان در مساجد

تحقیقات آتی می‌توانند به بررسی مدل‌های مشارکت فعال شهروندان در مساجد پرداخته و چگونگی افزایش نقش این نهادها در فرایند تصمیم‌گیری‌های شهری را بررسی کنند. این پژوهش‌ها می‌توانند بر روی نحوه گسترش مشارکت عمومی و تقویت سرمایه اجتماعی از طریق مساجد متمرکز شوند.

۵. مطالعه بر روی تأثیر تعاملات شهری و مساجد بر هویت محلی و فرهنگی محله‌ها

یکی دیگر از پیشنهادها تحقیقاتی، بررسی تأثیرات تعاملات مدیریت شهری با مساجد بر هویت محلی و فرهنگی محله‌ها است. این تحقیق می‌تواند به بررسی این موضوع بپردازد که چگونه تقویت مساجد به‌عنوان مراکز فرهنگی-مذهبی در محله‌ها می‌تواند به حفظ و ارتقای هویت فرهنگی محله‌ها و تقویت انسجام اجتماعی کمک کند. بررسی تأثیر این همکاری‌ها بر آگاهی فرهنگی و دینی شهروندان، به‌ویژه نسل جوان، از اهمیت بالایی برخوردار است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

منابع و مأخذ

اکبری، جواد و فاطمه قاسمی (۱۴۰۲). جایگاه مساجد در هویت بخشی به محلات و فضای شهری، فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، (۱)۴، ۱۹-۲۹.

باصری، احمد، مرادی، حجت‌الله و جمال یوسفی صفاپور (۱۳۹۵). بررسی نقش مساجد در ترویج سبک زندگی ایرانی اسلامی، پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، (۱۴)۶، ۷۷-۱۰۴.

بنایی اسماعیلی، احمدرضا (۱۳۹۸). نقش مسجد در توسعه فرهنگی و مدیریت شهری (رویکرد محله‌ای)، دومین کنفرانس ملی علوم اسلامی و پژوهش‌های دینی.

پزشکی، مهدی و مجید ولی شریعت‌پناهی (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل رابطه مدیریت شهری و توسعه پایدار در بافت‌های تاریخی: مطالعه موردی بافت تاریخی شیراز با تأکید بر ارائه مدلی کاربردی و همساز با فرهنگ و شرایط محیطی، فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، (۱)۹، ۴۷۵-۵۰۱.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22286462.1398.9.2.30.6>

پولادی، اسماعیل و پروانه بیاتی (۱۳۹۷). مدل سازی معادلات ساختاری نقش مسجد طراز بر کاهش طلاق با استفاده از نرم‌افزار EQS. رهیافت فرهنگ دینی، (۱)۳، ۱۶۶-۱۷۹.

جعفرمحمدی، سمانه و مهرداد کرمی (۱۳۹۳). تحلیلی بر نقش و جایگاه مسجد در تحقق شهر خلاق ایرانی اسلامی، اولین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی.

خسروی، ابوزر و حسین امیرعزضدی (۱۴۰۰). جایگاه مساجد به‌عنوان فضای شهری ایرانی اسلامی، تهران: مقالات دومین همایش ملی حکمرانی اسلامی.

دانایی‌فرد، حسن، الوانی، سید مهدی و عادل آذر (۱۳۸۶). روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت، چاپ دوم، تهران: انتشارات صفار.

سبحانی‌متین، علی، گنجعلی، اسداله و میثم لطیفی (۱۳۹۹). طراحی سابقه موفقیت مدیران بخش نهادی (مورد مطالعه: امام جماعت مسجد)، پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، (۱۲)۴۱، ۱۰۵-۱۵۱.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.82548002.1399.12.3.4.5>

سرمد، زهره، بازرگان، عباس و الهه حجازی (۱۴۰۳). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: آگه.

سعدآبادی، علی اصغر، آزموده، فهیمه و کیارش فرتاش (۱۴۰۱). اقدام پژوهی رویداد استارت‌آپی (شتاب): مسجد طراز اسلامی. فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات، (۲۳)۵۹، ۲۷۵-۲۹۷.

doi.org/10.22083/jccs.2021.249578.3175

صفاکیش، حمیدرضا (۱۳۹۰). مسجد و نماد تاریخی آن در قرن اول هجری. مطالعات نقد ادبی، (۲۲)۶، ۱۰۳-۱۲۰.

نقش محوری مسجد در حکمرانی محلی [...] |

قنبری نیک، محسن (۱۴۰۰). تحلیلی بر علل تغییر جایگاه و کاهش کارکردهای اجتماعی مسجد در جامعه کنونی، اسلام و مطالعات اجتماعی، ۸(۴)، ۲۷-۵۵.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2021.60246.1774>

کیخای مقدم، محمدمهدی (۱۳۹۴). نقش مساجد در مدیریت شهری با توجه به بیداری اسلامی، دومین کنگره بین المللی تفکر و پژوهش دینی.

مزیانی، جواد (۱۴۰۲). ثمین: خلاصه آراء هیات امناء در مورد مسائل مختلف مسجد، قم: میرفتاح.

معمدی فرد، حسین و علی صباحی (۱۴۰۰). نقش کارکردهای اقتصادی مسجد در اقتصاد مقاومتی، دومین همایش فرهنگ، سیاست، اقتصاد تمدنی فتح الفتوح.

مهدوی کنی، محمدمسعود و رضا امینی هرندی (۱۳۹۶). توسعه فرهنگی محله‌های پایدار مسجد محور مورد مطالعه مسجد ثامن‌الائمه (ع)، تهران: دین و ارتباطات (دانشگاه امام صادق/ نامه صادق)، ۲۴(۲)، ۱۹۵-۲۴۲.

<https://doi.org/10.30497/rc.2018.2103>

مهدوی نژاد، محمدجواد و مشایخی، محمد. (۱۳۸۹). بایسته های طراحی مسجد بر مبنای کارکردهای فرهنگی- اجتماعی، معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۳(۵)، ۶۵-۷۸.

مهدی امینیان و ناصر جمالزاده (۱۳۹۲). نقش مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی ایران. فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ - ارتباطات، ۱۴(۲۴)، ۱۶۳-۱۹۰.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20088760.1392.14.24.9.0>

موحد، مهدی (۱۴۰۲). سند ترویجی طرح تحول اجتماعی مسجد محور: اجرایی سازی طرح تحول اجتماعی مسجد محور، قم: میرفتاح.

موحد، مهدی و ناصر میرمحمدیان (۱۴۰۱). سند ترویجی طرح تحول اجتماعی مسجد محور: ساختار و سیاست‌های کلان اجرایی (۲). قم: میرفتاح.

میرغضنفری، سیدسجاد، لطیفی، میثم و عادل آذر (۱۳۹۳). شناسایی و رتبه بندی شاخص‌های ارزیابی عملکرد مساجد تهران. مدیریت اسلامی، ۸۹(۲۲)، ۲۰۷-۲۳۲.

Akbari, Javad, and Ghasemi, Fatemeh. (2023). The role of mosques in identity formation of neighborhoods and urban spaces. *Sustainable Urban and Regional Development Studies Quarterly*, 4(1), 19-29. [in Persian]

Altschuler, Daniel and Javier Corrales. (2013). *The promise of participation: Experiments in participatory governance in Honduras and Guatemala*. Springer.

Banaei Esmaili, Ahmadrza. (2019). The role of mosques in cultural development and urban management (neighborhood approach). *The Second National Conference on Islamic Sciences and Religious Research*. [in Persian]

Banzhaf, Ellen and Rene Hofer. (2008). Monitoring urban structure types as spatial indicators with CIR aerial photographs for a more effective urban environmental management. *IEEE Journal of Selected Topics in Applied Earth Observations and Remote Sensing*, 1(2), 129-138.

<https://doi.org/10.1109/JSTARS.2008.2003310>

Batory, Agnes and Sara Svensson. (2019). The use and abuse of participatory governance by populist governments. *Policy and Politics*, 47(2), 227-244.

<https://doi.org/10.1332/030557319X15487805848586>

Baseri, Ahmad., Moradi, Hojatollah, and Yousefi Safapour, Jamal. (2016). Examining the role of mosques in promoting the Iranian Islamic lifestyle. *Cultural Guardianship of the Islamic Revolution*, 6, 77-104. **[in Persian]**

Camba, Alvin. (2014). Participatory Governance in the EU Enhancing or Endangering Democracy and Efficiency? Governance. *International Journal of Policy Administration and Institutions*, 27(3), 536-538.

Danaeifard, Hassan, Alvani, Seyyed Mehdi, and Azar, Adel. (2007). *Qualitative research methodology in management*. Tehran: Safar Publications, Second Edition. **[in Persian]**

Fantahun, Mesganaw, Yemane Berhane, Stig Wall, Peter Byass, and Ulf Högberg. (2007). *Women's involvement in household decision-making and strengthening social capital—crucial factors for child survival in Ethiopia*. *Acta Paediatrica*, 96(4), 582-589.

Ghanbari Nik, Mohsen. (2021). An analysis of the causes of changing the position and reducing the social functions of mosques in the current society. *Islam and Social Studies*, 8(4), 27-55. **[in Persian]**

<https://doi.org/10.22081/jiss.2021.60246.1774>

Halim, Rahmawati. (2018). Collaborative governance model in the village fund management at Banggai Regency. *Asian Journal of Environment, History and Heritage*, 2(2), 257-268.

Heath, Sue, Alison Fuller, and Brenda Johnston. (2010). Young people, social capital and network-based educational decision-making. *British Journal of Sociology of Education*, 31(4), 395-411.

<https://doi.org/10.1080/01425692.2010.484918>

Jafarmohammadi, Samaneh, and Karami, Mehrdad. (2014). An analysis of the role and position of mosques in realizing the creative Iranian Islamic city. *The First International Congress on New Horizons in Architecture and Urbanism*. **[in Persian]**

Khosravi, Abuzar, and Amir-Azdi, Hossein. (2021). The position of mosques as urban spaces in Iranian-Islamic cities. *Proceedings of the Second National Conference on Islamic Governance*. **[in Persian]**

Kaykhai Moghadam, Mohammad Mahdi. (2015). The role of mosques in urban management with regard to Islamic awakening. *The Second International Congress on Religious Thought and Research*. **[in Persian]**

Kowalski, Christoph, Elke Driller, Nicole Ernstmann, Saskia Alich, Ute Karbach, Oliver Ommen, Frank Schulz-Nieswandt, and Holger Pfaff. (2010). Associations between emotional exhaustion, social capital, workload, and latitude in decision-making among professionals working with people with disabilities. *Research in Developmental Disabilities*, 31(2), 470-479.

<https://doi.org/10.1016/j.ridd.2009.10.021>

Leavy, Patricia. (2022). Research design: Quantitative, qualitative, mixed methods, arts-based, and community-based participatory research approaches. *Guilford Publications*.

Mahdavi Kani, Mohammad Saeed, and Amini Harandi, Reza. (2017). Sustainable neighborhood cultural development centered around mosques. *Religion and Communication (Imam Sadiq University / Nameh Sadeq)*, 24(2), 195-242. **[in Persian]**

<https://doi.org/10.30497/rc.2018.2103>

Mahdavi Nejad, Mohammad Javad, and Mashayekhi, Mohammad. (2010). The essentials of mosque design based on cultural-social functions. *Armanshahr Architecture and Urbanism*, 3(5), 65-78. **[in Persian]**

Mehdi Aminian, Jamalzadeh, Naser. (2013). The role of mosques in the victory of the Islamic Revolution of Iran. *Cultural-Communication Studies Quarterly*, 14(24), 163-190. **[in Persian]**

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20088760.1392.14.24.9.0>

Motamedi Fard, Hossein, and Sabahi, Ali. (2021). The role of mosque economic functions in resistance economy. *The Second Conference on Culture, Politics, and Civilizational Economy*. **[in Persian]**

Moteki, Yasutoshi. (2024). *Research trends in local autonomy studies in Japan*. Authorea Preprints.

Movahed, Mehdi. (2023). *The promotional document for mosque-centered social transformation*. Qom: Mirfattah. **[in Persian]**

Movahed, Mehdi, and Mirmohammadian, Naser. (2022). *The promotional document for mosque-centered social transformation*. Qom: Mirfattah. **[in Persian]**

Nelson, Ingrid (2019). Social capital and residential decision making among rural and nonrural college graduates. *Sociological Forum*, 34, 926-949.

<https://doi.org/10.1111/socf.12555>

Pezdiki, Mehdi, Vali Shariat Panahi, Majid. (2019). Examining the relationship between urban management and sustainable development. *Geography Quarterly (Regional Planning)*, 9(1), 475-501. **[in Persian]**

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22286462.1398.9.2.30.6>

Po, June, Gordon, Hickey. (2020). Cross-scale relationships between social capital and women's participation in decision-making. *Journal of Rural Studies*, 78, 333-349.

<https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2020.04.024>

Robison, Lindon J., Trey Malone, Jeffrey O. Oliver, Richard E. Winder, and James W. Ogilvie Jr. (2020). How social capital influences medical choices. *Applied Economics*, 52(24), 2544-2555.

<https://doi.org/10.1080/00036846.2019.1693020>

Saadabadi, Ali Asghar, Azmoudeh, Fahimeh, and Fartash, Kiarash. (2023). Action research on startup event: The ideal Islamic mosque. *Cultural-Communication Studies Quarterly*, 23(59), 275-297. **[in Persian]**

doi.org/10.22083/jccs.2021.249578.3175

Safakish, Hamid Reza. (2011). The mosque and its historical symbol in the first century AH. *Literary Criticism Studies*, 6(22), 103-120. **[in Persian]**

Sarmad, Zohreh, Bazargan, Abbas, and Hejazi, Elaheh. (2024). *Research methods in behavioral sciences*. Tehran: Agah. **[in Persian]**

Schmitter, Philippe, Grote, Gbikpi. (2002). *Participatory Governance: Political and societal implications*. Leske & Budrich, Opladen.

Sobhani-Matin, Ali, Ganjali, Asdaleh, and Latifi, Maysam. (2020). Designing a successful background for institutional managers (Case Study: Mosque Imam Jamat). *Human Resource Management Research*, 41(12), 105-151. **[in Persian]**

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.82548002.1399.12.3.4.5>

Song, Jing. (2024). Nurturing individual resilience through urban management. *In Individual Resilience to Urban Flooding and the Implications for Urban Management* (pp. 101-131). Springer.

https://doi.org/10.1007/978-981-97-0546-7_7

Wang, Zhan, Regina McNally, and Helena Lenihan. (2019). The role of social capital and culture on social decision-making constraints. *European Management Journal*, 37(2), 222-232.

<https://doi.org/10.1016/j.emj.2018.04.004>

Wiesinger, Georg. (2007). The importance of social capital in rural development, networking and decision-making in rural areas. *Journal of Alpine Research | Revue de Géographie Alpine*, (95-4), 43-56.

<https://doi.org/10.4000/rga.354>

zhaleh baghbadorani, M. , Yaghoubipoor, A. and Fathizadeh, A. (2022). Designing a Participatory Governance Model in Order to Reduce Corruption with a Mixed Approach (Case study: Ahvaz Governor's Office). *Strategy*, 30(4), 829-863. **[in Persian]**

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.10283102.1400.30.4.6.7>



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.